

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام درس: قرائت عربی 2

رشته زبان و ادبیات فارسی

تعداد واحد: 2

مؤلف: دکتر سید محمد حسینی

تهیه کننده: دکتر مرتضی حاجی مزدارانی

هدف کلی

آشنایی با عبارات و جمله های عربی به منظور درک کلمات و عبارات متون فارسی.

مطالب مندرج

حاوی مطالبی از نویسندگان قدیم و جدید عرب، مانند: ابن
مقفع- جبران خلیل جبران

درس 1

نام درس: الحريره و استعباد

شامل: نکاتی آموزنده از جبران خلیل جبران منتشر شده در
مجله الهلال

واژه های مهم و معنی آنها در درس 1- ق 1

فلا توقظهُ: وی را بیدار مکن

لئلا يحلمَ: تا آگاه نگردد

حراثتُهُ: برایش می گویم

واحدُ مات مصلوباً: یکی را به دار آویختند

واحدُ مات مجنوناً: یکی با دیوانگی در گذشت

واژه های مهم و معنی آنها در درس 1- ق 2

واحدٌ لم یولد بعدُ: یکی هنوز از مادر نزاده است
لذٰلک بقیتُ جاهلاً حُرّاً: نادان ولی آزاد ماندم، بیانگر ارزش
گرانبار آزادی است که نه کم ارزش کردن دانایی

واژه های مهم و معنی آنها در درس 1- ق 3

آن تسحق: از میان ببری

زهره: گل

آئی: کجا

آن تزیل: از میان ببری

عصافیر الحقل: گنجشکان کشتزار

تُدَرِّبُ: آزموده می گردانند

واژه های مهم و معنی آنها در درس 1- ق 4

جَدَّ القیود: کشیدن بندها (با خود)

السلاسل: زنجیرها

ظلمة الباردة: تاریکی سرد

نوائب: رویدادهای ناگوار

حَرِيٌّ: شایسته

بنات آوی: شغالان

أُسود: شیران

نکته های درس 1

عصافیر: جمع مکسر، مفردش عصفور

حقل: اسم مفرد، جمع مکسر آن «حُقُول» است

فِراخ: جمع مکسر مفردش «فرخ»

درس 2

نام درس: ابن المقفع

شامل: زندگانی و مرگ او

واژه های مهم و معنی آنها در درس 2- ق 1

أَسْلَمَ: اسلام آورد

تَقَفَعَتَا: دستهایش خشک شد

لُقِّبَ: لقب به خود گرفت

نَشَأَ: بزرگ شد

اسلوبه الانشایی: سبک نویسندگی

سهل الممتنع: سبکی که آسان می نماید اما دشوار است.

واژه های مهم و معنی آنها در درس 2- ق 2

مُتَّسِقَةٌ: به سامان و منتظم

فَصِيحَةٌ مَنْتَقَاهُ: گزینش شیوا

كَانَ يُوَصِّي: سفارش می کرد

ابْتَعَادَ: دوری گزیدن

وَحْشَى الْاَلْفَاظِ: واژگان نا آشنا

واژه های مهم و معنی آنها در درس 2- ق3

يقول مُخاطباً: در خطاب می گوید

اياك و التتبع: پرهیز از جستجوی

عیّ الكبر: درماندگی بزرگ

قد ساد: سروری کرده است

احتذاه: از آن پیروی کرده اند

واژه های مهم و معنی آنها در درس 2- ق4

کتاب: نویسندگان

ظَلَّ سائِداً: همواره سروری داشت

تفکیر: اندیشه

اعجمی: غیر عربی

فلا یرى: دیده نمی شود

قلّما: کم است که

استشهد: استشهاد کرده باشد

واژه های مهم و معنی آنها در درس 2- ق5

عَرَّبَ: به عربی ترجمه کرد

أَلَّفَ: کتاب نوشت

رَفَعَ: بالا برد

وَقَّعَ: معین کرده است

هَيَّأَ: آماده کرده است

بَلَغَ: رسیدن

أَمَّارَةٌ: نشانه

تَنَفَّذَ: پیش بردن

واژه های مهم و معنی آنها در درس 2- ق 6

يَنْمِي: بالا می برد

سَبْحِيَّات: طبیعتها، خویها

تَرْكُو: فزونی می گیرد

حَبَّه: دانه

أَن تَخْلَع: بکند، از خود دور کند

يَبْس: پوسته

رَيْع: رشد

نَضْرَت: سر سبزی

واژه های مهم و معنی آنها در درس 2- ق 7

مستودَع: در جایگاه

مغزِر: قرارگاه

يَعْتَمِلُهَا: پیرو راند آنرا

لِقَاح: باروری

جُلُّ: بخش مهم

تَعَلُّم: آموختن

حروف معجمه: حروف الفبا

مَرَوِيّ: روایت شده

واژه های مهم و معنی آنها در درس 2- ق 8

لم یبتدعوا: پدید نیاورده اند

لم یأتهم: نرسیده است به ایشان

مخیمون: بنا کننده خیمه

صاحب الفصوص: دارای نگین های انگشتر (مانند گوهر

فروش)

قلائد: گردنبندها

واژه های مهم و معنی آنها در درس 2- ق 9

سموحا: رشته ها

اکالیل: تاج ها

صانعاً رفیقاً: سازنده ای هماهنگ کننده

الذهب: طلا

حُلّیّ: زیورها

آینه: ظرفها

سَلْکَت: پیموده باشد

دُلُّل: هموار

واژه های مهم و معنی آنها در درس 2- ق 10

يَسْتَحْسِنُهُ: خود آنرا پسندد

يُسْتَحْسَنُ مِنْهُ: از او پسندیده آید

اجتتاه: آنرا بدست آورده است

اقتداء: پیروی

فلا تَرَيْنَّ: نباید ببینی

ضُؤُولَةٌ: کمبود

المصیبین: کسی که درست سخن بگوید

واژه های مهم و معنی آنها در درس 2- ق 11

غامط: گاهنده، انکار کننده

استحدث: پدید آورده باشد

يَتِمُّ به: کمال می یابد (بوسیله آن)

التَّئِبُّ فِي الْأَخْتِيَارِ: پایداری در انتخاب

الاعتیادُ للخیر: خو گرفتن به نیکی

واژه های مهم و معنی آنها در درس 2- ق 12

تُبْلَغُ المرءَ: آدمی را می رساند

مبْلَغَ الفضل: به جایگاه برتری

أحلى: شیرین تر

لا تُدرَكُ: بدست نمی آید

بُغِيْثُهُم: خواسته ایشان

نفاستها: گرانمایگی آن

واژه های مهم و معنی آنها در درس 2- ق 13

إِصْطَفَى: برگزیده است

هَرَبَ: گریخته است

أَلْغَى: بیهوده گردانیده است

يَحْوِي: در نظر گیرد

مَا أَحَقَّ: چقدر شایسته است!

ابْتِغَاءً: گزینش

واژه های مهم و معنی آنها در درس 2- ق 14

استبابة: روش گردانیدن

لم نوضَع: قرار نگرفته ایم

گد: رنج

أرماق: رمق ها و توانها

مآكل و مشرب: خوردن و نوشیدن

يُلْتَمَسَ به: خواسته می شود به کمک آن

نکته های درس 2- ق1

معرفی ابن مقفع:

(106-142 هـ) عبدالله بن مقفع ایرانی الاصل است. نامش قبل از اسلام آوردن روزبه بود. کلیله و دمنه را به زبان عربی ترجمه کرد.

نکته های درس 2- ق 2

أَسْلَمَ: فعل ماضی از باب افعال

مَقْعٌ: اسم مفعول

منطق: مصدر میمی

ایاکَ و التتبع: «ایاک» از ادات تحذیر و التتبع مفعولٌ به آن

کتاب: جمع مکسر کاتب

نکته های درس 2- ق 3

جا حظ:

(150-255) عمرو پسر بحر، بزرگترین ادیب و نویسنده قرن دوم و سوم هجری است. در بصره به دنیا آمد و همانجا درگذشت، کتابهای «الحيوان» و «البيان» و «التبيين» از او معروف است.

نکته های درس 2- ق4

فلا يُرى: فعل مجهول

وقائع: جمع مکسر، مفردش واقعه

عَرَّبَ: فعل ماضی از باب تفعیل

كما أن الحَبه ... تخلع ييسها: مرجع ضمير "ها" حبه است

نکته های درس 2- ق 5

فصوص: جمع مکسر، مفرد آن «فَصّ»

قلائد: جمع مکسر، مفرد آن قلاده

سموط: جمع مکسر، مفرد آن «سمط»

صانع: اسم فاعل

رفیق: صفت مشبّهه

نکته های درس 2- ق 6

حُلِّي: جمع مکسر، مفرد آن حِلِيه

أَنْبِيَاءُ: جمع مکسر، مفرد آن «إِنَاء»

اجتتئى: فعل ماضى از باب افتعال، مصدر آن «اجتتئاء» است

مُصِيبٌ: اسم فاعل از باب افعال

نکته های درس 2- ق 7

غامط: اسم فاعل

آن لا یكونَ: فعل مضارع منصوب

استبانه: مصدر باب استفعال

موگّل: اسم مفعول

ارماق: جمع مکسر، مفرد آن «رمق»

نکته های درس 2- ق 8

لسنا: فعل ناقص، متکلم مع الغير

الذی: موصول خاص

يُلْتَمَسُ: فعل مضارع مجهول

احقَّ: اسم تفضيل

واژه های مهم و معنی آنها در درس 3- ق 1

یُرَوَى: روایت می کنند

اِتَّهَمَهُ: او را متهم دانست

وَلَّى: به استانداری گماشت

رَدَّوهُ: بازگردانیدش

لِيَقْتُلَنَّكَ: بی گمان تو را خواهد کشت

واژه های مهم و معنی آنها در درس 3- ق 2

عَجْزَه: او را به ناتوانی نسبت داد

يَحْسُدُه عَلِيَّ اَيَّدَه: بر نیرو و توان او رشک می برد

اسْتَطَالَ: بلند یافت

دَرَع: زره

حُدَّتْ: به او بازگو می شد

واژه های مهم و معنی آنها در درس 3- ق3

اعتزی: روی آورد

افکل: لرزش

هلاً: پر کرد

سبّ: دشنام

يُدُسُّ: نهانی می رفت

مُوَالاة: دوستی

تَكْمُنُ: پنهان کردند

واژه های مهم و معنی آنها در درس 3- ق4

کسروا: شکستند

استخرجوا منه: از آن بیرون بردند

ساروا بهم: ایشان را بردند

واژه های مهم و معنی آنها در درس 3- ق 5

طلب الدم: خونخواهی

أَنْ يَسْتَأْذِنَ: رخصت بخواند

لَا عَقْدَ لَهُ: با او پیمانی ندارد

مَا يَسُوءُنِي: مرا بد نمی آید

مَنْ شَاءَ: هر که بخواند

يَشِيعُهُ مَا شِئاً: پیاده او را مشایعت کند

واژه های مهم و معنی آنها در درس 3- ق 6

أَحَبُّ أَنْ تَغَبَّرَ قَدْمَايَ: دوست دارم که پاهایم خاک آلود گردد
حَمَاماً بَيْضاً ضَخَاماً: کبوتران سفید درشت اندام
لَنَا..... عَلَيْنَا: به نفع ما به ضرر ما

واژه های مهم و معنی آنها در درس 3- ق 7

إِن اسْتَقْتَم: اگر پایدار بمانید
حِصْتَم حِیْصاً: آهنگ فرار کنید
غَضَاب: خشمگینان
دُوینَ: اندکی پایین تر
خازر: نام رودی در عراق
لیس بشیء: چیزی نیست

واژه های مهم و معنی آنها در درس 3- ق 8

غیرناس: فراموش نکرده است

قتلی: کشتگان

آن نواقِع: می خواستیم که بتازیم

عسکر: اردو

متوشح: حمایل کرده بود

یجوس: بررسی می کرد

واژه های مهم و معنی آنها در درس 3- ق 9

التزمتهُ: با او همراه شدم

مرحباً: خوش آمدی

يحتضفهُ: در بر می گیرد او را

آن تناجزهم: با آنان پیکار کنی

عصابة: گروه

ظبات: لبه ها

قنا: نیزه ها

واژه های مهم و معنی آنها در درس 3- ق 10

التقوا: برخورد کردند

نَكَّسَ: سرنگون کرد

انخزلَ: جدا کرد

لم يعصوه: از او نافرمانی نکردند

شاطيء: کرانه

رائحة المسك: بوی مشک

نکته های درس 3- ق 1

المختار بن عبید:

(1-67 هـ) از رجال سیاسی قرن اول بود و از محمد حنفیه پیروی می کرد.

ابن زبیر: کسی بود که مختار را به ولایت کوفه گماشته بود، سپس او را تهمت زده بود. او محمد حنیفه را حبس کرده بود. او محمد حنفیه را حبس کرده بود.

نکته های درس 3- ق 2

عبدالله بن أسماء:

عبدالله بن زبیر پسر أسماء، أسما نام مادر عبدالله بوده و به قصد توهین بیان شده است.

ابواسحاق: کنیه مختار صقفی

فرسخین: اسم مثنی

نکته های درس 3- ق 3

حَمَام: جمع مکسر، مفردش حَمَامَةٌ

بَيْض: جمع ابيض و بيضاء

حَيْصاً: (در عبارت "حَصْتُمْ حَيْصاً" مفعول مطلق

غَضَاب: جمع مکسر، مفردش غَضِب

نکته های درس 3- ق4

دُوین: مصغرِ دون

ناسِ: اسم فاعل (نَسِيَ يَنْسِي) در حال رفع و جر ناسِ ، در حال نصب ناسياً

قَتَلَى: جمع مکسر ، مفردش قَتِيل

نکته های درس 3- ق 5

أشجع: اسم تفضیل

نحاکم: فعل امر متکلم مع الغیر

مَرَج: مکانی است بنام مرج راهط که در آنجا کشتار فجیعی شد.

درس 4

نام درس: البوم و الغربان

واژه های مهم و معنی آنها در درس 4- ق 1

البوم و الغربان: جغدها و زاغ ها

دبشلیم: نام پادشاهی است در کلیله و دمنه

بید با: بید پای (پیل پای) نام برهمن افسانه ای که داستانهای قدیم هند را باز می گورد.

واژه های مهم و معنی آنها در درس 4- ق 2

اخوان الصفا: برادران یکدل

لا ینبغی: شایسته نیست

أَنْ يُغْتَرَّ بِهِ: فریب او را بخورد

مَلَقَ: چاپلوسی

مُصَالِحَةٌ: آشتی

اغْتَرَّ: فریفته گردد

واژه های مهم و معنی آنها در درس 4- ق3

ز عموا: پنداشته اند، آورده اند

وَكْر: آشیانه

والٍ: سرپرستی

كَهْفٌ: غاری

غَدَاةٌ و رَوْحَةٌ: بامدادن و شامگاهان

أَغَارَ: حمله کرد

واژه های مهم و معنی آنها در درس 4- ق4

سبی: اسیر گرفت

مالقینا: آنچه دیدیم

منتوف الریش: پرکنده

مهلوب الذنب: دم کنده

عائدات: بازگردندگان

يُسندالهن: اعتماد می شد به آنها

واژه های مهم و معنی آنها در درس 4- ق5

مقالید: کلیدها

نوازل: پیشامدهای سخت

قد سبقتنا: بر ما پیشی گرفته اند

الْحَنِيقِ: خشمگین

هَرَبَ: گریختن

أَنْ نَرَحَلَ: بکوچیم

واژه های مهم و معنی آنها در درس 4- ق 6

نُخَلِّيهَا: رها کنیم آنرا

نُنْكَى: می افروزم

نَحْتَرِسُ: می پرهیزیم

الغَرَّة: فریب

واژه های مهم و معنی آنها در درس 4- ق 7

نتحرزُ بحُصوننا: در دژهای خود پناه می گیریم
قد ثنينا عدونا عَنَّا: باز رانده ایم دشمن را از خود
نَبْتُ العيونَ: جاسوسهایی گسیل می کنیم

واژه های مهم و معنی آنها در درس 4- ق 8

فدیه: پول یا مالی که برای آزادی اسیر می پردازند

نُؤدِیَهِ الیه: می پردازیم به وی

جُنَّةُ البلاد: سپر کشور

أحساب: افتخارات

نَخَضَع: فروتنی کنیم

واژه های مهم و معنی آنها در درس 4- ق 9

لما رضین: خرسند نمی شوند

شطط: تجاوز از حد (افزون خواهی)

و لا تُقارِبُهُ كُلَّ المقارِبِه: به طور کامل نزدیک نشو

یَجْتَرِي: دلیر گردد

الخشبة المنصوبة: چوب نصب شده

واژه های مهم و معنی آنها در درس 4- ق 10

أَمَلْتَهَا: آنرا کج کنی

دُون: نزدیک شدن

مَحَارِبَةٌ: پیکار

قَاتَلَ: پیکار کرد

حَتَفَ: مرگ

لَا يَسْتَمْعِرُ: خوار نمی شمارد

واژه های مهم و معنی آنها در درس 4- ق 11

سطوة: حمله

مُكْتَب: نزدیک

وثبة: جهش

اکیس: زیرکترین

نفقة الیسیره: پرداخت مالی اندک

محسن: نگهدارنده

واژه های مهم و معنی آنها در درس 4- ق 11

مهياً فی أعین الناس: با عظمت در چشم های مردم

خلیق: سزاورا

لا یسألُ: ربنوده نشود

أولی: داده شده است

قد استشرتی: با من رای زدی

رہط: قبیلہ

نکته های درس 4- ق 1

الدَّوْح: جمع مکسر، مفردش دوحه

غَدَوَات: جمع مونث سالم، مفردش غَدوه

جریح: صفت مشببه

منتوف: اسم مفعول

مقالید: جمع مکسر، مفردش مِقلاد

نکته های درس 4- ق 1

طلائع: جمه مکسر، مفردش طلّیعه

یَجْتَرِي: فعل مضارع از باب افتعال

قَاتِلَ: فعل ماضی از باب مفاعله (مقاتله، قتال)

استصغَرَ: فعل ماضی باب استفعال

درس 5

نام درس: الغراب و الكراكي

واژه های مهم و معنی آنها در درس 5- ق 1

زعموا: آورده اند که

تملك علیها: بر خود پادشاه گردانند

لم یلبثن: درنگ نکردند

بادت: نابود گشت

نعام: شتر مرغ

اضطررتن: ناگزیر شدید

واژه های مهم و معنی آنها در درس 5- ق 2

أَسْوَأُ: بدترین

نَتْنٌ: بد بویی

لَمْ يَضُرَّ: زیان نمی رساند

أَرْنَبٌ: خرگوش

نکته های درس 5

اذ در اذ وقع: فجائیه

استثرا: فعل ماضی متکلم مع الغیر

لم یلبثن: فعل مضارع مفرد مونث، محلاً مجزوم

درس 6

نام درس: ارنب و مَلِكُ الفيلة

واژه های مهم و معنی آنها در درس 6- ق 1

تَتَابَعَتْ: پی در پی روی آورد

سَنُونٌ: خشکسالی

أَجْدَبَتْ: خشک شد

غَارَتْ: فرو رفت

شَكُونٌ: شکایت بردند

رَوَادٌ: پیشاهنگ

واژه های مهم و معنی آنها در درس 6- ق 2

انطَلَقِي: برو

بَلَّغِي: بگو

غیر متعمدات: غیر عمد

غیر ملموم: دور از نگاهش

رَنَقَتَ: تیره کردی

مَرَّةً أُخْرَى: بار دیگر

الْخَيْبَ: فریبکاری

نکته های درس 6

السنون: جمع مکسر، مفردش سَنَة

رَوّاد: جمع مکسر، مفردش رائد

اجحار: جمع مکسر، مفردش جُحر

درس 7

نام درس: الجرذ و السنور

واژه های مهم و معنی آنها در درس 7- ق 1

سَنُور: گربه

جُرذ: موش

كثيراً ما: بیشتر وقتها

يتداولون: پی در پی می آمدند

ذات يوم: روزی

يَدِبُّ: می گشت

شَرَكَ: دام

ابن عرس: راسو

واژه های مهم و معنی آنها در درس 7- ق 2

اِخْتِطَافٌ: ربودن

اِفْتَرَسَهُ: او را شکار می کند، م درد

اِكْتَتَفَنِي: مرا در بر گرفته است

وَعَى: بشنود

كَمَا تَحَبُّ فِي ضَيْكٍ: چنانکه تو دوست داری

يِرْصَدْنِي: در کمین من است

واژه های مهم و معنی آنها در درس 7- ق 3

حبائل: بندها

استوثق: مطمئن هستم

تقریض: جویدن

آیس: نا امید

ابطأ: درنگ کرد

اضرِبَنَّ عن: روگردانید

وترتتی: مرا کینه ور ساختی

فأس: تبر

یندمِلُ: التیام می پذیرد

نکته های درس 7

حَذِرُ: صفت مشبیه

اختطاف: مصدر باب افتعال از ریشه خطف

حبائل: جمع مکسر، مفردش حباله

أرتهنُّ: مضارع متکلم وحده از باب افتعال ریشه «رهن»

درس 8

نام درس: الصوص و الناسك و غريضة

واژه های مهم و معنی آنها در درس 8- ق 1

لصوص: دزدان

ناسک: زاهد

غریض: بره یکساله

ائتمروا: با یکدیگر مشورت کردند

اطلق: رها کرد

ینقُرُنِی: با منقار سوراخ کند

علی رووس الاشهاد: در برابر همه

واژه های مهم و معنی آنها در درس 8- ق 2

جَنَّ اللَّيْلُ: تاریک شد

يَبْنُ: نالیدن آغاز می کرد

بَهَمِسُ: آهسته ناله می کرد.

عَاتِي: سرکش

يُحَطَّمُ: شکسته می شود

لَا سَيِّمًا: مخصوصاً

المستجيرُ الخائفُ: پناهنده بیمناک

نکته های درس 8

أشهاد: جمع الجمع است، زیرا أهاد جمع «شَهد» است و شهد جمع «شاهد» است

مضوَاب: فعل لازم به كمك «ب» متعدی شده است

فدیه: مالی است که برای آزادی اسیر می پردازند

درس 9

نام درس: التاجرُ و امراتهُ و السارق

واژه های مهم و معنی آنها در درس 9

تسوّر: از دیوار بالا رفت

مستيقظة: بیدار

ذعرت: ترسید

انت فی حلّ: برای تو حلال است

معاداة: دشمنی

درس 10

نام درس: الناسك و اللص و الشيطان

واژه های مهم و معنی آنها در درس 10

حلوب: شیرده

استيقظ: بیدار شد

أظنُّ قد خدعكُنَّ: گمان می کنم که شما را فریفته است

درس 11

نام درس: مثلُ الرجل و اللّصوص

واژه های مهم و معنی آنها در درس 11

لا اذعُرُ: نهراسانم

لا ترتاعوا: نترسید

حکام: کالای بی ارزش

یُفکون: باز می کنند

ثاروا: حمله بردند

ما رمثُ: آنچه قصد کرده ام

درس 12

نام درس: مثلُ الناسك و الفاره

واژه های مهم و معنی آنها در درس 12

حدأة: مرغ ماهی خوار

درص فارة: بچه موش

راغ روغة: نهانی به نیرنگ روی آورد

نترّوح: باد می زنیم

الامرُ فظیع: کار سخت

الجائحه: نابود کنند

الانفة: عزت نفس

نکته های درس 12

- مفهوم کلی حکایت ناسک و فاره:
- هر چیزی همانگونه که آفریده شده، نیکوست.
- انطلق: فعل ماضی باب انفعال
- أَحْتِكُمْ: فعل امر از باب افتعال
- ثقات: جمع مکسر، مفردش ثقه

درس 13

نام درس: امثال اکثم بن صيفى و بزرجمهر الفارسى

واژه های مهم و معنی آنها در درس 13- ق 1

الصاحب مُناسِبٌ: همسین به منزله خویشاوند است
لو تکاشفتم ما تدافنتم: اگر از دل و یکدیگر آگاه می گشتید،
مرده یکدیگر را دفن نمی کردید
هُن: نرم باش

واژه های مهم و معنی آنها در درس 13- ق 2

لاقٍ: بیننده

كما تدينُ تُدان: انسان که پاداش دهی، پاداش خواهی دید

حسنا: زیبا روی

غاوی: گمراه

جَدّ: بخت و اقبال

استبان: روشن گردید

مهواة: سبب یا محل فرو افتادن

واژه های مهم و معنی آنها در درس 13- ق3

بطنة: پرخوری

عُرى: دستاویز

صریمة: قاطعیت

المحاجزة قبل المناجزة: قبل جنگ باید از روی دادنش
جلوگیری کرد

کنائن: تیرداناها

أدوا الدواء: تلخترین داروها

واژه های مهم و معنی آنها در درس 13- ق4

خرسَت: لال گشته است

لا يألونك خَبالاً: در تبهکاری بر تو کوتاهی نمی کنند

مُنصِت: خاموش

مصير: بازگشتن

انقَمع: ناپدید گشت

جُنَّ: دیوانه شد

صاهرَ: داماد شد

واژه های مهم و معنی آنها در درس 13- ق5

ارتیاح: اشتیاق بسیار

الصهبا: شراب

مزار: دیدار

بارح: باد سوزان

جُمَّة: انبوه

نکته های درس 13- ق 1

دیار: جمع مکسر، مفردش دار

لاقٍ: اسم فاعل

کنائن: جمع مکسر، مفردش کنانة

صاهرَ: فعل ماضی از باب مفاعله، مصدر آن مصاهرت

لم یستقصِ: فعل جحد محزوم

نکته های درس 13- ق 2

بدیع الزمان همدانی:

(398-358 هـ) از نوادر روزگار است. صاحب کتاب

«مقامات»

طُرْف: جمع مکسر، مفردش طُرْفه

درس 14

نام درس: قيل إنّ اهل الكوفه

واژه های مهم و معنی آنها در درس 14- ق 1

یومِ صائفٍ: روز تابستانی

حِيطان: دیوارها

حَلوات: زمینهای بلند

أَحَلَّنِي: مرا به سوی تو آورد

عَيَّ: ناتوانی

سباب: دشنام

السيوف المخترطة: شمشیرهای از نیام در آمده

واژه های مهم و معنی آنها در درس 14- ق2

صِف: بیان کن

لا اَکْثَرُ ثَنَالَه: باکی از آن نداشتیم

تَحْنَدَسَ: تیره شد

اَکْثَمَ: خطر ساز شد

تَلَاعَ: بلندیها

دَمَامِيلَ: دُمها

اَوْنَمَادِ النَّاسِ: مردم کم خرد

واژه های مهم و معنی آنها در درس 14- ق3

اشماً زّوامنها: از او گریختند

اندحَضُوا: فرو افتادند

بادوا: از میان رفتند

رَدَى: بد

ثار: یورش برد

خشت: نیزه کوچک

ان لم يُنصِفنى: اگر داد مرا نستاند

نکته های درس 14

حيطان: جمع مکسر، مفردش حائط

فلوات: جمع مکسر، مفردش فلات

ذهب بـ: فعل معتدی بوسیله بـ

التلاع: جمع مکسر، مفردش تلعة

اصاغر: جمع مکسر، مفردش اصغر

درس 15

نام درس: ابوالفضل جعفر بن یحیی بن خالد بن برمک

واژه های مهم و معنی آنها در درس 15- ق 1

سَمَحَ الاخلاق: خوشخویی

شاکوک: شکایت کنندگان

اجتاز: گذر کرد

نزور: کمی و قلت

جاریه: کنیز

حُرّه: آزاد

خَلَّت: گذشته است

واژه های مهم و معنی آنها در درس 15- ق 2

ما لم یبُلُغْه سِوَاء: کسی جز او نرسیده است

أَنَا دُونَكَمَا: من با شما نباشم

نَكَبَهُم: آنان را آزرده

اعْتَقَلَ: به زندان افکند

كَمَا سِيَأْتِي: چنان که خواهد آمد

واژه های مهم و معنی آنها در درس 15- ق3

ترجمة: شرح حال

راودته: همبستر شود با او

ارسلینی: بفرست مرا

آبت: نپذیرفت

کیت و کیت: چنین و چنان

اشتملت من ابنک: از پسر تو دارای فرزندی می شوم

واژه های مهم و معنی آنها در درس 15- ق4

عِدَّة: وعده

تَهَيَّئِي: آماده شو (برای مونت)

لَمْ يَتَثَبَّتْ: دقیق نشده بود

وَطَّرَ: خواسته، نیاز

طَارَ السُّكْرُ مِنْ رَأْسِهِ: مستی از سرش پرید

بِعْتَنِي: مرا فروختی

واژه های مهم و معنی آنها در درس 15- ق5

رخیص: ارزان

وگلت: برگماشت

حاضفة: دایه ای

خافت: ترسید

حُرْم: خانواده مرد

كان يُغلق: می بست

ينصرفُ بالمفاتيح معه: کلیدها را با خود می برد

واژه های مهم و معنی آنها در درس 15- ق6

ضیق: سختگیری کرد

شکت: شکایت کرد

یا ایت: ای پدر

کان یدعوه بذلک: او را چنین می خواند

ما لزبیده تشکوک: چرا زبیده از تو شکایت دارد؟

غلظه: سختگیری

واژه های مهم و معنی آنها در درس 15- ق 7

خَبْرَت: آگاه ساخت

خَافَت ظَهْرَه: از آشکار شدنش (فرزند) می ترسید

وَجَّهَتْ به: او را فرستاد

سواک: دیگری

اِظْهَرَ ارَادَةَ الْحَجِّ: وانمود کرد که آهنگ حج دارد

الصَّبِي: فرزند

واژه های مهم و معنی آنها در درس 15- ق8

وَكَلَّ: گماشت

بَحَثَ: جستجو

فَأَضْمَرَ السُّوءَ: بدی در دل گرفت

سَلَّمَ إِلَيْهِ: به او سپرد

لَا تَتَعَرَّضْ: کجروی مکن

رَقَّ: دلسوزی می کرد

أَرَدَّ: بازگردانده شوم

واژه های مهم و معنی آنها در درس 15- ق9

طاول: به درازا کشید

وجم و احجم: با اندوه خاموش شد و از سخن گفتن باز ماند

اطلقت: آزاد کردم

ما عدوت فی نفسی: از آنچه در فکر من است، تجاوز نکردی

واژه های مهم و معنی آنها در درس 15-10 ق

نهضَ: برخاست

سُئِلَ: پرسش شد

مملول: دل آزار

تشافس: رقابت می کنند

تعنت علیهم: دشمنی کرد

تجنى: گنهگار شمرد

مساوی: بدی ها

ادلال: دلیری و جسارت

واژه های مهم و معنی آنها در درس 15-11 ق

لَاذِمِنِ اَعْدَائِهِمْ: پناه بردند از دشمنانشان

سْتَرَوْا: پوشاندند

كَانَ مَا كَانَ: تا شد آنچه شد

اَنشَدَ يَقُولُ: با خواندن شعر می گفت

اَقْلَوْا: کم کنید

سُدُّوا: پر کنید

سَدُّوا: آنان پر کرده بودند

واژه های مهم و معنی آنها در درس 15-12 ق

الحل و العقد: گشودن و بستن
غدا ما لكاً: صاحب اختیار است

حصباء: سنگریزه

نَدَّ: چوب خوشبو

لن پباهی: فخر نمی فروشد

بَطَرَ: سرمستی می کرد

نکته های درس 15- ق 1

جعفر برمکی:

پسر یحیی پسر خالد ... البرمکی، از خاندانهای نامدار و با فرهنگ و بخشنده ایرانی بودند که از آغاز به قدرت رسیدن خواندان عباسی در مقام وزارت یا مراتبی نزدیک به آن مشغول بودند.

نکته های درس 15- ق 2

قاضی ابویوسف حنفی:

(113-182 هـ) قاضی بزرگ دربار هارون و صاحب
«کتاب الخراج».

ابن القادسی:

نویسنده کتاب «اخبار الوزراء»

نکته های درس 15- ق3

مغموم: اسم مفعول

أَقْتُلْ: فعل امر

أشجع السلمي: شاعر روزگار عباسی (وفات 195)، ستایشگر
هارون و جعفر برمکی

مَوْفِي: اسم فاعل از اَوْفِي، يُوفِي باب افعال

نکته های درس 15- ق4

اعور: صفت مشببه که بر عیب دلالت دارد

عباسه: خواهر هارون الرشید فرزند مهدی که درباره وجود ارتباط یا عدم آن با جعفر برمکی سخنها گفته اند.

نکته های درس 15 - ق 5

عِدَه: مصدر ثلاثی مجرد (وَعَدَ)

تَهَيَّئِ: فعل امر مفرد مونث از مصدر «تَهَيَّؤْ» از باب تَفَعَّل

بِعْتَنِ: فعل ماضی (بع: فعل + ت: ضمیر بارز + ن: حرف

وقایه + ی: ضمیر متصل)

نکته های درس 15 - ق 6

كان ينظرُ: فعل ماضی استمراری

حُرْم: جمع مکسر، مفردش «حُرْمَة»

ينصرفُ بـ: فعل متعدی شده بوسیله «ب» حرف جر

نکته های درس 15- ق 7

ضیقّ: فعل ماضی معلوم از باب تفعیل

زبیده: زن هارون الرشید مادر محمد امین

یا اَبْتِ: تِ در «اَبْتِ» عوض از یاء متکلم اس که در صورت وقف و ندا اینگونه است.

نکته های درس 15- ق 8

یا امیرالمومنین:

یا: حرف ندا

امیر: منادای مضاف منصوب

المومنین: مضاف الیه مجرور نشانه جر اعراب نیایی «ین»
در جمع مذکر سالم

نکته های درس 15 - ق 9

لم يحفظ: فعل جحد

خَبَّرْتُهُ: فعل ماضی مفرد مونث غایب از باب تفعیل، هُ ضمیر متصل، مفعول است

أَيُّ: در عبارت "أَيُّ دَلِيلٍ" اسم استفهام

نکته های درس 15-10 ق

طاوَل: فعل ماضی باب مفاعله (یطاول-مطاولة)

إِدْلَال: مصدر باب اِفعال

مملول: اسم مفعول از مصدرهای ملال و ملالة

تَجَنَّى: فعل ماضی مفرد مذکر از باب تَفَعَّل از ریشه جنایة

نکته های درس 15- ق 11

المساوی: جمع مکسر، مفردش مَسَاءة

محاسن: جمع مکسر، مفردش حُسْن؛ خلاف قائده به کار رفته است.

لا ابا لابیکم: برای ستایش و نکوهش. در مصرع اقلوا علیهم ... برای نکوهش به کار رفته است.

درس 16

نام درس: و من أجب ما يورخُ من تقلبات الدنيا ...

واژه های مهم و معنی آنها در درس 16- ق 1

اعجب: شگفت آورترین

ما یورّخ: در تاریخ می آورند

تقلّبات: دگرگونی ها

یوم نحر: روز قربان (عید قربان)

برزة: بلند پایه

رثّة: ژنده و کهنه

تحادثنا: گفتگو کردیم

واژه های مهم و معنی آنها در درس 16- ق 2

وصیفة: کنیزک

أَعْدُّ: می شمردم

عاق: نا فرمان

مُنای: آرزوی من

جلد ساتین: پوست دو گوسفند

أَفْتَرِشُ: به زیر می افکنم

التَّحِف: روانداز

واژه های مهم و معنی آنها در درس 16- ق3

دَفَعْتُ الی: پرداختم به

خمسمائهُ درهم: پانصد درهم

فکادتُ: نزدیک بود

نکته های درس 16

تحدیثنا: ماضی متکلم مع الغیر از باب تفاعل
پیام درس: روزگار در حال دگرگونی است، چه خوب است
که عاقبتی به خیر انجامد.

درس 17

نام درس: الخريف

واژه های مهم و معنی آنها در درس 17- ق1

أصبحت: گردیده است

المحيية: جانبخش

سقیم: بیمار

الصيف: تابستان

حقول: کشتزاران

نحیب: فغان و زاری

تملمت: بی قرار گشته اند

ناثره: پراکنده

الصفراء: زرد

واژه های مهم و معنی آنها در درس 17- ق2

ثلوج: برفها (برف زیاد)

عریس الاودیة: عروس دره ها

لتند به: بر او ناله دهد

ثرثیه: بر او بگرید

واهب: بخشنده

جثة بارده: پیکری سرد

واژه های مهم و معنی آنها در درس 17- ق3

احضان البری: دامنهای آفریده

الضیقه: تنگ

بلابل: بلبلان

شحاریر: پرستوها

عصافیر: گنجشک خا

قد رحلت: کوچ کرده اند

واژه های مهم و معنی آنها در درس 17- ق4

لم یبق: باقی نمانده است

الطَّلُول: آثار بجای مانده

الجَرْدَاء: برهنه (مونت)

تتصاعد: بالا می روند

ناعبه: فریاد کنان

القُضبان: شاخه ها

العاریه: برهنه

واژه های مهم و معنی آنها در درس 17- ق5

تختفی: ناپدید می گردند

الغاب: جنگلها

تهبط: فرود می آیند

جیفه: مردار

تتطایر: بال می گشایند

السواقی: جویباران

قد غارت: فرو رفته است

ظهرت: نمایان شده است

واژه های مهم و معنی آنها در درس 17- ق 6

نمٹ: روییده است

جرفت: رفته است (پاک کرده است)

تیارها: موج خود

الجدوع: تنه های درختان

الحصى: سنگریزه

اليابسه: خشک

تتراگض: می دوند

واژه های مهم و معنی آنها در درس 17- ق 7

مَمَرَّات: گذرگاه ها

اعشاب لذابلة: گیاهان خشکیده

ماشية: در حال حرکت

الجائعه: گرسنه

المروج: جمنها

المنحفظات: جاهای پست

الغيوم: ابرها

واژه های مهم و معنی آنها در درس 17- ق8

الرمادية: خاکستری

ملأت: پُر کرده است

أحواض الماء: برکه های آب

تُحَدِّقُ: خیره گشته اند

ازراق السماء: رنگ کبود آسمان

غصن^{۲۶}: شاخه ای

واژه های مهم و معنی آنها در درس 17- ق9

نمقه: آراسته

کساه حزیران: آنرا پوشانده است ماه حزیران

أَتَقَلَّهْ: آنرا سنگین کرده است

آب: نام ماه یهودی و سریانی

تشرین: نام دو ماه از ماه های رومی یا سریانی

واژه های مهم و معنی آنها در درس 17-10 ق

عَرَّاهُ: برهنه گردانید آنرا

عاصه: تندباد

قصفته: آنرا در هم شکست

الحضيض: زمین پست، پایین

يَبْلَى: فرسوده شود

على مهلٍ: به آرامی

عَرَّتْ: برهنه گردانیده است

الصفصاف درختان بید

واژه های مهم و معنی آنها در درس 17-11 ق

الحوار: درختانی شبیه بید

التفاح: درختان سیب

وشح: گردنبنده افکنده است

الضباب: مه

اعناق: گردنها

اعشاب: گیاهان

امطار: باران ها

واژه های مهم و معنی آنها در درس 17-12 ق

انصاب: نشانه ها

سَفْح: دامنه

إخضار الابدی: سرسبزی همیشگی

تلویها: آنرا به هم پیچید

لا تقصِفُها: آنرا نمی شکند

يُحاول: می کوشد

واژه های مهم و معنی آنها در درس 17-13 ق

يُبَلِّغُهُ: آن را تر می سازد

لَا يَثْلُمُهُ: آسیبی به آن نمی رساند

يَغْمُرُهَا: آن را فرا می گیرد

الشتاء: زمستان

يَجْعَلُهَا سَكِينَةً: آن را آرام گرداند

نکته های مهم در درس 17- ق 1

اودية: جمع مکسر، مفردش وادی

الجرءاء: صفت مشبیه مونث، مذکر آن «أجرء»

الغاب: جمع مکسر، مفردش «غابة»

نکته های مهم در درس 17- ق2

نیسان، آب، تشرین: به ترتیب ماههای هفتم- یازدم و اول و دوم رومی یا سریانی

عواصف: جمع مکسر، مفردش عاصفه

اعناق: جمع مکسر، مفردش عنق

درس 18

نام درس: ذکر بعضِ اخبار الاسكندريه و آثارها

واژه های مهم و معنی آنها در درس 18- ق 1

اتّساع: فراخی

اعتق: آبادتر

أَحْفَل: پُرتر

أسواق: بازارها

احتفال: انبوهی جمعیت

أَمْتَن: آبادتر

يخترق: می شکافد

واژه های مهم و معنی آنها در درس 18- ق 2

أَزَقَّةٌ: کوچه ها

أَبَارٌ: چاه ها

يُؤَدُّ: کمک می کند

عَائِنًا: دیدیم

سَوَارِي: ستونها

رُخَامٌ: مرمر

تُلْفَى: می یابی

يَغْسُ: پر می گردد

مَبَانٍ: ساختمانها

نکته های درس 18

اسواق: جمع مکسر، مفردش سوق

احتفال: مصدر باب افتعال

آبار: جمع مکسر، مفردش بئر

عائنا: فعل ماضی متکلم مع الغیر از باب مفاعله

درس 19

نام درس: مَنَارُ الاسكندريّة

واژه های مهم و معنی آنها در درس 19- ق 1

منار: جایگاه روشنایی

متوسّم: جویای نیکی و خیر رساننده

آزید: بیشتر

العتاقة: در نهایت استواری

سُمُو: بلندب

تتسّع: گسترش می یابد

واژه های مهم و معنی آنها در درس 19- ق 2

ذَرَعْنَا: اندازه گرفتیم

الفینا: یافتیم

نیفأ و خمسين: پنجاه و اندی

باع: به درازای دو دست از هم باز شده

هائل: حیرت انگیز

معارض: پله ها

مداخل: راه های ورودی

واژه های مهم و معنی آنها در درس 19- ق3

متصرّف فیها: کسی که در آن گام نهاده

والج: وارد شونده

بالجمله: خلاصه

لا یحصِّلها القولُ: گفتار آنرا به دست نمی دهد

لا یخْلِیه: تهی نگرداند آنرا

یُبَیِّقِیه: نگه دارد آن را

واژه های مهم و معنی آنها در درس 19- ق4

طلعنا: بالا رفتیم

يوم الخميس لذي الحجة المورخ: پنجشنبه همین سال که یاد شد

شأن مبناه: موقعیت بنای آن

لا يستوفيه: آن را کامل فرا نمی گیرد

واژه های مهم و معنی آنها در درس 19- ق 5

جوامع: مساجد

عمّیه الکریمین: دو عموی بزرگوارش

القاسیه: سخت

عیون الجامدة: چشمهای بی اشک

لابس السواد: جامه های سیاه

وَصْفَة: توصیف

بُرْدَه: جامه کتانی

واژه های مهم و معنی آنها در درس 19- ق 6

شَرِبَ أَسْوَدُ: عبایی سیاه

مَتَقَلِّدًا سَيْفًا: شمشیری را حمایل کرده است

نَعْلَ سَيْفٍ: نوک نیام شمشیر

إِذَانًا: اعلام

إِنْصَاتٍ: سکوت

قَدَرِ كَرْتًا: جای داده شده اند

نکته های درس 19

متوسِّم: اسم فاعل از مصدر توسُّم باب تفعّل

والج: اسم فاعل

جوامع: جمع مکسر، مفردش «جامعه یا جامع»

درس 20

نام درس: قلعة القاهرة

واژه های مهم و معنی آنها در درس 20

المنعةُ: دست نیافتنی، بلند

يُنْقَرُ: کنده می شود

معاول: کلنگها

علوج: مردان نیرومند

أَنْ يُمْتَهَنَ: به کار گرفته شود

نکته های درس 20

متولون: جمع مذكر سالم

امتهانات: جمع مونث سالم

علوج: جمع الجمع (اعلاج-عليج)

درس 21

نام درس: مستشفى المجانين

واژه های مهم و معنی آنها در درس 21

مستشفى المجانين: تیمارستان

عقاقير: داروها

مَقاصير: اتاق ها

أَسِرَّة: تختها

مضاجع: خوابگاه ها

بكرة و عَشية: بامدادان و شامگاهان

بما يَلِيقُ بهم: آنچه در خور ایشان است

واژه های مهم و معنی آنها در درس 21

مُقْتَطَع: جدا شده، اختصاصی

مَتَّسِعُ الْفِنَاءِ: با حیاط بزرگ

شَبَابِيك: پنجره ها

الْمَثَابِرَةُ: مواظبت پیوسته

نکته های درس 21

مستثنی: اسم مکان از باب استفعال

الْكُسَى: جمع مکسر، مفردش كِسْوَةٌ

شبابیک: جمع مکسر، مفردش شَبَّاک

مجاس: جمع مکسر، مفردش مجس

درس 22

نام درس: معجزةُ البناء

واژه های مهم و معنی آنها در درس 22- ق 1

قنطرة المحدثة: پل نوساز

قِباب: گنبدها

خطوة: گام

منحوة: تراشیده شده

مُحدّوة: تیز

رِحاب: گستردگی

رام: قصد کرد

شِبر: وِجِب

مُجَوّفه: درون تهی

البيلة: جوی آب

واژه های مهم و معنی آنها در درس 22- ق2

غلوۃ: به اندازه یک تیر پرتاب

ظَهْرُهُ إِلَى الْقَبْلَةِ: پشت به قبله

إِحْرَاقٌ: آتش سوزی

انْتِسَاخٌ: از هم گسستن

مُسْتَجَدٌّ: نوسازی شده

اِخْتِطَاطٌ: نقشه و طرح

رِحْلَةٌ: سفرنامه

نکته های درس 22

بنیه: (بنی+ه) جمع مذکر سالم، (ن) به علت مضاف بودن حذف شده است

عبیدیان: خلفای فاطمی مصر، عباسیان خلفای فاطمی را به نام بنیانگذار آن، عبیدالله مهدی، به این نام نامیده اند.

ابن جبیر: جهانگرد معروف اندلسی (416-539 هـ)

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com